

داغ شهادت دانش آموزان میناب هنوز تازه است. د پروز، بسیاری از کودکان و نوجوانان، با کوله‌های رنگی و غمی سنگین، در راهپیمایی روز قدس شرکت کردند. آنها آمدند تا یاد شهدای دانش آموز میناب را گرامی ی‌دارند. برخی از آنها با جشه‌های کوچک، پرچم به دست، شعارهای کوبنده می‌دادند؛ آمدند تا بگویند جان دانش آموزان مینابی و گنساوری که استانی که مظلومانه و بی‌دفاع شهید می‌شوند، در میان شان خالی است.

■ ■ ■

هنوز از یادها نرفته است که در همان ساعات اولیه نخست جنگ تحمیلی، مدرسه دخترانه در میناب در جریان حمله آمریکا و اسرائیل، دو بار مورد هدف قرار گرفت و ۱۶۵ نفر از دانش آموزان به شهادت رسیدند. این واقعه به عنوان بزرگ ترین کشتار دختران در یک مدرسه در تاریخ ثبت شده و خون آنها، چهره دشمنان ایران را واضح‌تر عیان کرده است.

■ **جای خالی دانش آموزان مینابی**

بسیاری از دانش آموزان باصلابت فارس، به نیابت از دختران مدرسه میناب، بسا لباس فرم مدرسه و کوله‌پشتی‌هایشان در راهپیمایی قدس شرکت کردند. چنین پوششی از لباس رزم، صدها برابر تأثیرگذار تر هوایتر بود. آنها آمدند تا معادلات دشمن را برهم بزنند؛ دشمنانی که البته مدعی حمایت از کودکان، خانواده‌هایشان و حقوق بشر هستند!

یکی از دانش آموزان حاضر در راهپیمایی درباره حضور خود گفت: «مدام که یاد همکلاسی‌های شهیدم زنده بماند. خون آنها، راه ما محکم‌تر می‌کند. آنها بی‌گناه و بی‌دفاع به شهادت رسیدند و چراغشان فقط تحصیل بود. امروز جای خالی‌شان در پشت نیمکت‌های مدرسه حس می‌شود.»

■ **نوشته‌هایی برای فرشته‌های آسمانی**

دانش آموزان تهرانی هم آمده بودند. یکی از آنها که کوله پشتی صورتی‌اش را بر دوشش انداخته بود، در این رابطه توضیح داد: «امریکایی‌دون هیچ توجیهی به کودکان

یادداشت

هوشیاری اجتماعی ضرورت امنیت ملی

■ **حسین فصیحی**

در روزهایی که صدای اژیرها، خبرهای تلخ و تصاویر دردناک از مجروحان و شهدای بخشی از واقعیت زندگی مردم شده است، یک حقیقت بیش از هر زمان دیگری آشکار می‌شود: در جنگ‌ها فقط موشک‌ها و پهپادها تعیین‌کننده نیستند،بلکه اراده و هوشیاری یک ملت نیز سرنوشت میدان را رقم می‌زند.جنگ، تنها در خطوط مقدم رخ نمی‌دهد؛ جنگ در خیابان‌ها، در ذهن‌ها، در فضای مجازی و در روابط اجتماعی نیز جریان دارد. امروز که چهاردهمین روز از تعرض دشمن امریکایی-صهیونیستی به مینب می‌گذرد، آمارهای اعلام‌شده از سوی مسئولان حوزه سلامت تصویری تلخ از ابعاد انسانی این جنگ را نشان می‌دهد. بر اساس اعلام سخنگوی وزارت بهداشت، با شدت گرفتن حملات اخیر، شمار آسیب‌دیدگان غیرنظامی لحظه‌به‌لحظه در حال افزایش است. بیش از ۱۷ درصد از مجروحان و شهدا از زنان و مادران تشکیل می‌دهند و بیش از ۴۰ درصد از مجروحان جنگ کودکان زیر ۱۸ سال هستند؛ کودکانی که ۶۵نفرشان کمتر از پنج سال و حدود ۳۵ نفرشان حتی زیر دو سال سن دارند. این اعداد فقط آمار نیستند؛ هر کدام روایت یک خانه، یک خانواده و یک آینده آسیب‌دیده‌اند. همزمان، برآکندی جنرفیضایی مصدومان نشان می‌دهد این جنگ تلاش دارد امنیت و آرامش را در گستره‌ها وسیع از کشور هدف قرار دهد. استان‌های تهران، لرستان، کرمانشاه، اهواز و آذربایجان تیرین سربمایه امنیت ملیر بیش از هر زمان دیگری بر جسته می‌شود. تجربه بسیاری از کارکنان شرقی قرار دارند. این گسترده‌گی جغرافیایی، نشان می‌دهد که دشمن تلاش دارد علاوه بر ضربه نظامی، ضربه روانی و اجتماعی نیز به جامعه وارد کند. در چنین شرایطی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای دشمن برای پیشبرد اهدافش جریان نفوذ است؛ جریانی که نه با لباس نظامی، بلکه در پوشش‌های مختلف اجتماعی، رسانه‌ای و حتی اقتصادی ظاهر می‌شود.

نفوذ همیشه به معنای حضور یک جاسوس کلاسیک نیست؛ گار نفوذ در قالب شایعه، جنگ روانی، ایجاد تفرقه اجتماعی یا تضعیف اعتماد عمومی عمل می‌کند. دشمنی که در میدان نظامی با سد دفاعی یک ملت روبه‌رو است، طبیعی است که برای یافتن شکاف‌های سریع‌السرعت جبهه‌های نرم‌تر جامعه برود. در این میان، نقش مردم به عنوان مهم‌ترین وظایف اجتماعی مسئولان ملیر بیش از هر زمان دیگری بر جسته می‌شود. حضور کارکنان، در شرایط جنگی نشان داده است که مقاومت اجتماعی و انسجام ملی می‌تواند بزرگ‌ترین مانع برای نفوذ دشمن باشد. جامعه‌ای که در آن مردم نسبت به امنیت کشور احساس مسئولیت داشته باشند، عملاً شبکه‌ای گسترده از دیده‌بانان اجتماعی شکل می‌دهد؛ شبکه‌ای که می‌تواند کوچک‌ترین نشانه‌های تهدید یا نفوذ را شناسایی کند. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نفوذ در شرایط کنونی، فضای اطلاعاتی و رسانه‌ای است. در دوران جنگ، شایعه به اندازه یک موشک می‌تواند ویرانگر باشد.

انتشار اخبار نادرست، بزرگنمایی تلفات، ایجاد حس ناامنی یا القای شکست، از جمله ابزارهایی است که در جنگ‌های مدرن به کار گرفته می‌شود. به همین دلیل، هوشیاری رسانه‌ای و مسئولیت‌پذیری در انتشار اخبار، یکی از مهم‌ترین وظایف اجتماعی مسئولان ملیر است. هر کاربر مجازی می‌تواند در چنین شرایطی، در واقع یک «رسانه» است و می‌تواند به تقویت روحیه عمومی کمک کند یا ناخواسته به بازوی جنگ روانی دشمن تبدیل شود. بعد دیگر، نفوذ ایجاد شکاف در اعتماد اجتماعی است. دشمن به خوبی می‌داند که امنیت ملی فقط با قدرت نظامی حفظ نمی‌شود؛ بلکه اعتماد میان مردم و نهادهای مسئول، یکی از پایه‌های اصلی ثبات کشور است. به همین دلیل، تلاش برای تخریب اعتماد عمومی، بزرگنمایی خطاهای و القای ناآرامی، بخشی از راهبرد جنگی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، حفظ همبستگی اجتماعی و تقویت گفت‌وگوی ملی می‌تواند سد مهمی در برابر این تلاش‌ها باشد. در کنار این موارد، مشارکت مردم در اقدامات پیشگیرانه نیز اهمیت زیادی دارد. گزارش رفتارهای مشکوک، توجه به هشدارهای امنیتی و رعایت توصیه‌های ایمنی از جمله اقداماتی است که می‌تواند نقش مهمی در کاهش تهدیدها داشته باشد. در بسیاری از کشورها، تجربه نشان داده است که همکاری میان شهروندان و نهادهای امنیتی، یکی از مؤثرترین ابزارها برای مقابله با شبکه‌های نفوذ بوده است. البته نباید فراموش کرد که مقابله با نفوذ صرفاً یک مسئولیت امنیتی نیست؛ بلکه

یک مسئولیت اجتماعی و فرهنگی نیز به شمار می‌رود.

تقویت آگاهی عمومی، آموزش سواد رسانه‌ای، افزایش همبستگی اجتماعی و حمایت از آسیب‌دیدگان جنگ، همگی بخشی از پازل مقاومت ملی هستند. جامعه‌ای که در آن مردم نسبت به سرنوشت یکدیگر حساس باشند، در برابر فشارهای بیرونی نیز مقاومت خواهد بود. در کنار رزمنه‌گانی که در خطوط مقدم ایستاده‌اند، گروه‌های دیگری نیز در حال دفاع از کشور هستند؛ امدادگران، هنلر احمر که در میان آوار به دنبال مجروحان می‌گردند، پزشکانی که سساعت‌های طولانی در اتاق‌های عمل برای نجات جان مصدومان تلاش می‌کنند، آتش‌نشانی‌ها که در دل آتش به یاری مردم می‌شایند، عملماتی که تلاش می‌کنند امیرا در دل دانش آموزان زنده نگه دارند و کارگرانی که چرخه تولید و زندگی را متوقف نمی‌کنند. این همه اجزای یک جبهه ملی هستند که در کنار یکدیگر، به علاوه روزروداری غسل شهادت کرده‌واشپدشان راهپیمایی‌ها و کارکنان باغی، با وجود آنکه به شکل گسسته‌ها و پراکنده‌ها با هم ارتباط ندارند، در یک جبهه متحد ایستاده‌اند. این امنیت ضربه بزند، حفظ آن نیز نیازمند مشارکت همگانی است. هوشیاری اجتماعی، اعتماد متقابل، همبستگی ملی و مسئولیت‌پذیری رسانه‌ای می‌تواند همان دیوار مستحکمی باشد که دشمن در پی یافتن شکافی در آن است. تاریخ نشان داده است که مملتهایی که در سخت‌ترین روزها توانسته‌اند وحدت و آگاهی خود را حفظ کنند، نه تنها از بحران عبور کرده‌اند بلکه قدرتمندتر از گذشته سربرآوردده‌اند. امروز نیز از زومنی مشابه پیش روی جامعه قرار داده از زومنی که در آن هوشیاری اجتماعی به اندازه شجاعت در میدان نبرد اهمیت دارد. در نهایت، شاید بتوان گفت در روزهایی که آتش جنگ بر آسمان شهرها سایه انداخته است، مهم‌ترین سرمایه کشور همان چیزی است که در دل مردم جریان دارد. مردم، مسئولیت، همبستگی و مراقبت از آینده مشترک. با آگامی سرمایه‌های حیضت‌شود، هیچ جریان نفوذی نمی‌تواند راهی به صلابت ملتی پیدا کند که امنیت و استقلال خود را با آگاهی و اتحاد پاس می‌دارد.

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۸۲۲۰

گزارش «جوان» از حضور دانش آموزان در راهپیمایی روز قدس به یاد همکلاسی‌های شهیدشان

صدای مظلومیت میناب به قدس هم رسید

بی‌گناه حمله کرده، اما نمی‌دانسته از آنها، دانش آموزان مینابی جدیدی در شهرهای ایران به وجود آمده که پشت نظام و ملت‌شان ایستاده‌اند.»

یک دانش آموز هم بر کوله پشتی مدرسه خود نوشته بود: «امریکای جنایتکار انتقام دانش آموزان مینابی را می‌گیرد.»

■ **در مقابل، خشم و انزجار از عاملان این جنایت نیز بنرها و پلاکاردهایی در دست دانش آموزان بود.».**
در این میان، پلاکاردی با مضمون «نابودی اسرائیل، فصل جدید کتاب‌های تاریخ خواهد شد»، بیش از همه خودنمایی می‌کرد.

■ **کیف‌های خاک‌گرفته**

پارک معلم کرمانشاه نیز میزبان اجتماع بزرگ دانش آموزان و فرهنگیانی بود که در فضای آمیخته از اندوه و افتخار، یاد و خاطره دانش‌آموزان شهید مدرسه در تاریخ ثبت شده و خون آنها، چهره دشمنان ایران را واضح‌تر عیان کرده است.

پارک معلم کرمانشاه نیز میزبان اجتماع بزرگ دانش آموز میناب خودنمایی می‌کرد. در کنار آن، یک تخته سیاه بر زمین افتاده بود و در اطرافش آجرها و گچ‌های پراکنده‌ای به چشم می‌خورد که یادآور فرو ریختن سقف مدرسه بر سر دانش آموزان معصوم بود.

در بخش دیگری از این فضا، چندین میز و نیمکت شکسته و واژگون شده قرار داده شده بود که روی هر کدام، یک شاخه گل، یاد و خاطره صاحبان اصلی خود را زنده نگه داشته بود. در میان این فضای غم‌زده، تخته سیاه دیگری قرار داشت که روی آن خطاب به دانش آموزان شهید نوشته شده بود: «در آینده

می‌خواستید چکاره شوید؟» و هر یک از حاضران، از روی قلبی خود را روی آن نوشته بودند؛ یکی «مهندس»، دیگری «پزشک»، آن یکی «معلم» و دیگری «دانشمند». این صحنه، دل هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد.

■ **دانش آموزانی که کوله صلح حمل کردند**

راهپیمایی روز قدس در اردبیل نیز جلوه‌هایی زیبا از حضور دانش آموزان با لباس‌های فرم و کوله‌های مدرسه به تصویر می‌کشید. دانش آموزان استان اردبیل به یاد این شهدا امروز در راهپیمایی روز قدس با کوله‌هایی که حاوی صلح، امنیت، مهر و محبت کودکان است، به



میدان آمدند و در حالی که فریاد خشم «مرگ بر امریکا و مرگ بر صهیونیسم» سر می‌دادند، این اقدام جنایتکارانه و وحشیانه رژیم‌های ستمکار روزگار را محکوم کردند و از سازمان‌های جهانی و بین‌المللی خواستند تا این دو رژیم را مجاب به پاسخگویی در برابر افکار عمومی و جهانی کنند.

تعدادی از این‌دانش آموزان با چشمانی گریان از بی‌رحمی رژیم صهیونیستی اعلام نقرت کردند و در قالب غرفه‌های، نقاشی‌ها و کار دست‌های خود را تقدیم کودکان مظلومی کردند که در میناب به شهادت رسیدند.

دکتر داریوش صفر نژاد، کارشناس حوزه بین‌الملل در گفت‌وگو با «جوان»:

ایران، «هارت لند» جدید دنیاست

نخبگان دنیا و مردم جهان شده و در آینده نیز قطعاً یکی از هژمونی‌هایی که دچار چالش جدی خواهد شد هژمونی سلطه دلار بر اقتصاد است.

علت تأکید شما بر شکست هژمونی دلار چیست؟
نظام حاکم بر امریکا، جهان غرب یا همان نظام سلطه، مبتنی بر ساختار فراماسونری است. می‌دانید که فراماسون‌ها تمام رویدادها و تصمیم‌ها می‌گیرند ما شاهد

می‌بینند یعنی حتی وقتی می‌خواهند به حوزه سیاست، فرهنگ و حتی مسائل نظامی‌نگاه کنند املاک‌نگاه اقتصادی به این مقله‌ها دارند و حالاً این مجموعه که همه چیز را از دید اقتصاد و نخبگان می‌گویند ما شاهد شده است که در این هشت دهه گذشته بعد از جنگ جهانی دوم که بر پایه نظم هژمونیک که امریکا و جهان همراه او در غرب ایجاد شده بی‌سابقه است و اکنون می‌توان گفت که این نظم پایان یافته است. فضای جدیدی در حال شکل‌گیری است و نقطه ثقل یا مرکز اقتصادی و سیاسی دنیا آرام از سمت غرب کره زمین در حال انتقال به منطقه آسیاست، روی اصل است که بسیاری از اندیشمندان و نخبگان می‌گویند ما شاهد یک هویت‌گرایی جدید در آسیا هستیم و که هارت لند (Heart Land) یا یک مرکز ثقل سیاسی-اقتصادی جدید در آسیا در حال شکل‌گیری است و مرعبی را دربر می‌گیرد که یکی از اضلاع آن جمهوری چین است، ضلع دیگر آن روسیه، ضلع شرقی آن چین و ضلع جنوبی آن هند است.

■ **آیا تحولات منطقه‌ای اخیر را می‌توان مقدمه نوعی بیداری در دنیا دانست؟**

تکته بعدی اینکه ما در دنیا شاهد یک خیزش و بیداری جهانی هستیم که آغاز آن به ۳۰ ماه پیش و از جریان توافق الاصلی آغاز شد. البته جریان توافق الاصلی خود امریکایی‌ها و علاوه بر روزداری غسل شهادت کرده‌واشپدشان



بی‌شمرانه سردمداران کفر باشد.
■ **درس وطن در نیمکت‌های خونی**
بیرچند هم بخرید از مسیر راهپیمایی را به یادمان دانش آموزان میناب اختصاص داده بود. در گوشه‌ای از میدان قدس، برپایی یک چیدمان هنری و مفهومی، نگاه هر رهگذری را به خود خیره و دل‌هارا روانه مظلومیت دانش‌آموزان وطن می‌کرد؛ بازسازی نمادین «مدرسه میناب» با نیمکت‌هایی که به رنگ سرخ خون آغشته شده بودند، تصویری عینی از سبعبیت دشمنان در هدف قرار دادن کانون‌های علم و دانایی را پیش چشم شهروندان مجسم کرد.

در کنار این‌نیمکت‌های شکسته و خونی، راوی برنامه با صدایی لرزان اما استوار «درس امروز وطن» را برای جمعیت مشتاق تدریس می‌کرد، درسی که سرفاضل‌های آن، نه از ابراز همدردی با هم‌سپانان داغ‌دیده خود در حماسه‌های ملی و ایثار شهدای دانش‌آموز بیرون آمده بود. او با بیانی حماسی، برای حاضران واگو به می‌کرد که چگونه دشمن بذل، کلاس‌های درس را به مقتل فرستگان کوچک بدل کرده تا شوق دانستن و عشق به

میهن را در دل نسل نو خاموش کند.

این حضور پرشکوه، تنها گوشه‌ای از راهپیمایی روز قدس به یاد کودکان مظلوم مینابی بود. در ایلام، بوهره، گرگان، یزد، تبریز و دیگر نقاط کشور نیز بسیاری از دانش آموزان، به یاد شهدای مظلوم مدرسه «شجره طیبه» در راهپیمایی جهانی قدس شرکت کردند و خشم خود از ظلم صهیونیستی را به جهان نشان دادند.

این تصویر، یادآور عهده‌ای است که نسل به نسل در دل ایرانیان می‌ماند، عهده‌ی برای پاسداشت خون فرشتگان میناب و امید به روزی که عدالت و صلح بر سرزمین فلسطین و سراسر جهان برقرار شود.



تأثیر خون‌های بی‌گناه

بر سقوط اسرائیل!

در سنت الهیاتی اسلام، قتل و ریختن خون بی‌گناهان فراتر از جرمی حقوقی یا گناهی مخالف شریعت، یکی از بنیادی‌ترین گناهان در نظام اخلاقی جهان به شمار می‌رود. از همین روست که در معارف اسلامی و خصوصاً در تعالیم شیعی، هنگامی که از قیامت و برپایی دادگاه عدل الهی سخن گفته می‌شود، نخستین پرونده‌ای که شنوده می‌شود پرونده خون‌های به‌ناحق ریخته شده‌است. حضرت نبی (کرم‌ص) در روایتی تکان‌دهنده می‌فرماید: «اول ما محکم الله فيه يوم القیامه الدماء» نخستین چیزی که در روز قیامت راجع به آن حکم می‌شود، خون‌هاست. حضرت امام صادق علیه‌السلام نیز در روایتی دیگر رسیدگی به خون بی‌گناه ریخته طفل مظلوم امیرالمؤمنین علیه‌السلام را نخستین محکمه عدل الهی در قیامت معرفی می‌کنند؛ «و اول من یحکم فیه محسن بن علی (ع) فی قاتله». این تقدم در رسیدگی حامل معنایی عمیق است و آن اینکه در دستگاه عدالت الهی، هیچ گناهی به اندازه ریختن خون بی‌گناه، نظم اخلاقی عالم را مختل نمی‌کند.

الهیات اسلامی فراتر از رسیدگی صرف به خون‌های به‌ناحق ریخته، خون مظلوم را صرفاً یک واقعه انسانی نمی‌داند، بلکه آن را رخدادی می‌بیند که در ساحت تاریخ، حکمرانی و سرنوشت جوامع نیز اثر می‌گذارد. در نگاه قرآن و معارف اسلامی، تاریخ بشر تا سنن الهی است. قواعد و قوانین اخلاقی که سرنوشت انبای بشر را تعیین می‌کند، یکی از مهم‌ترین این سنن الهی آن است که ظلم، به ویژه هنگامی که به کشتار بی‌گناهان و کودکان می‌انجامد، دیر یا زود با پایه‌های قدرت و حاکمیت از درون فرسوده و عمر حکومت‌ها را کوتاه می‌کند.

شاید دقیق‌ترین و صریح‌ترین بیان این قاعده الهی را بتوان در نامه مشهور امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر یافت؛ متنی که از مهم‌ترین اسناد اندیشه سیاسی در تمدن اسلامی به شمار می‌آید. امیرالمؤمنین در این نامه با لحنی هشدارآمیز می‌نویسند: «يَا كَافِرَ الدِّمَاءِ وَتَسْكِبَافِئِهِمْ جَلْبَاهًا، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَذَى لِيَقْتُلَهُ، وَلَا أَظْفَرُ لِيَنْقِئَهُ، وَلَا آخِرَ يَزُولُ نَعْمَةً، وَأَنْقَطِعَ مَدَّةً» هر بیهوش‌خونی‌های به‌ناحق، زیرا هیچ چیزی مانند خونریزی نیست که انتقام الهی را نزدیک‌تر کند، تبعات سنگین‌تری به دنبال داشته باشد، نعمت‌ها را زائل و عمر حکومت‌ها را کوتاه سازد.

در این فرساز امیرالمؤمنین علیه‌السلام چهار پیامد بنیادین برای خونریزی ظالمانه بر می‌شمارد. نخست «تقمت و انتقام شدید الهی» که می‌تواند در همین دنیا به شکل بحران‌ها و فروپاشی اجتماعی و مسائل سهمگین لاینحل ظهور کند؛ دوم «تبعه سنگین اخروی» که نشان می‌دهد عدالت نهایی در دستگاه الهی برقرار خواهد شد؛ سوم «زوال نعمت» که به معنای از دست رفتن امنیت، آرامش و مشروعیت اجتماعی و هر آنچه به عنوان نعمت و عطای الهی در جوامع است و چهارم «انقطاع مدت» یعنی کوتاه شدن عمر حکومت‌ها و تسریع در زوال و سقوط آنها.

اما تأمل برانگیزتر از همه، تحلیل دقیق‌تری است که حضرت ارانه می‌کند؛ آنجاکه می‌فرماید: «فَلَا تَقْوُونَ سُلْطَانَكَ بِسَفْكَ دَمِ حَرَامٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مَقَابِلُ يَضْعَفُهُ وَتَوْهِنُهُ، بَلْ يَزِيلُهُ وَتُنْزِلُهُ» حکومت و سلطه خود را با ریختن خون حرام تقویت نکن، زیرا این کار آن را تضعیف می‌کند، سست می‌سازد، نابود و سپس به دیگران منتقل می‌کند.

در این عبارت چهار واژه کلیدی به شمار رفته است. «يُضْعَفُ»، «تَوْهِنُهُ»، «يَزِيلُ» و «تُنْزِلُ». این چهار واژه در واقع توصیف یک فرایند تاریخی در اضمحلال یک حاکمیت خونریز است. نخست، خونریزی اقتدار حکومت را «تضعیف» می‌کند، مشروعیت اخلاقی قدرت آسیب می‌بیند و جامعه در برابر آن دچار تردید می‌شود. سپس قدرت «سست» می‌شود؛ یعنی ساختار سیاسی از درون دچار فرسایش می‌گردد و دشمنان بیرونی یا بحران‌های داخلی مجال ظهور می‌یابند. در مرحله سوم، این فرسایش به «زوال» می‌انجامد و حکومت سقوط می‌کند و سرانجام، قدرت به «دیگران منتقل» می‌شود؛ یعنی تاریخ، صحنه جابه‌جایی قدرت‌ها می‌شود.

اگر این تحلیل الهیاتی را با واقعیت‌های امروز جهان کنار هم بگذاریم، معنای آن روشن‌تر می‌شود. کشتار شهروندان بی‌دفاع و کودکان بی‌گناه در هر نقطه‌ای از جهان فراتر از فاجعه تلخ انسانی، از منظر سنن الهی، نشانه‌ای از ورود یک قدرت سیاسی به مسیر فرسایش و سقوط تاریخی است. در چنین شرایطی، خون مظلومان به‌تنها در حافظه بشری باقی می‌ماند، بلکه به نیرویی اخلاقی تبدیل می‌شود که می‌تواند ساختارهای استلاخ در آن درون تخت می‌کند.

خونریزی‌ها و جنایات کتیری و بی‌مانند رژیم صهیونیستی و امریکا در قتل و کشتار پاک‌ترین و معصوم‌ترین خون‌ها، از دانش‌آموزان خردسال و مظلوم مدرسه میناب تا ریختن خون قائد عارف و مرجع عظیم جهان تشیع، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و شهروندان بی‌گناه ایرانی و سربازان مستضعف اسلام در اماکن نظامی و مسکونی، وقف سست بزرگ الهی باعث تسریع در سقوط و زوال این دولت‌های مستکبر خواهد شد و این حکومت‌های ظالم را در سراسرشیب تند سرنگونی قرار خواهد داد؛ همانگونه که حکومت‌های فرعون وبنی‌امیه وبنی‌عباس و دیگر ظالمان و سفاکان دماء مظلومانه را نابودی و زوال کشید. آن‌شاه‌الله.

سانسور حضور میلیون‌ها ایرانی در جنگ رسانه‌ای علیه ایران

پیام‌های فیک مردمی و صداگذاری روی تجمعات مردمی و تغییر شعارهای مطالبه‌گرانه به شعارهای سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان، حتی صدای کارشناسان خود این رسانه را درآورد‌هاست!

از سوی دیگر برای توجیه حملات امریکایی – صهیونیستی به مناطق غیرنظامی و عمومی همچون مدارس و بیمارستان‌ها و ورزشگاه‌ها شاهد آن هستیم که در این شبکه در قالب پیام‌های مردمی، وانمود می‌کنند مردم از داخل کشور چنین اطلاعاتی را در اختیار این شبکه و همدستان آنها قرار می‌دهند تا مورد تهاجم قرار گیرد! این رسانه از تکنیک‌های رسانه‌ای همچون عادی‌سازی وقاب‌بندی ذهن مخاطبان خود بهره می‌گیرد تا بتواند جنگ علیه مردم و کشور ایران را در رسانه و فضای مجازی پیش برده، بنابراین بدیهی است انتشار هر گونه تصویری از تجمعات مردمی در حمایت از جمهوری اسلامی ایران و زمینه‌ساز این تهاجم نظامی است. انقلاب حضرت آیت‌الله مجتبی‌خامنه‌ای و راهپیمایی پرشکوه روز قدس را منتشرکنند، چراکه اصلاً فلسفه وجودی این رسانه‌ها جنگ رسانه‌ای علیه ایران و زمینه‌ساز این تهاجم نظامی است. رسانه‌های معاند سرزمین‌های اشغالی، برای القای ضعف و ناتوانی از جمله دکترین رسانه‌های معاند فارسی‌زبان و در رأس آنها رسانه صهیونیستی ایران اینترنشنال است. همچنانکه بخش

هیچگاه سندی برای این ادعا ارائه‌نشد و تا همین امروز هم این آمار در برنامه‌های مختلف و در گفت‌وگو با کارشناسان متفاوت بارها کم و زیاد شده و حتی به «عجزا نفر تقلیل یافته‌است.

این فتنه که در ادامه به درخواست اپوزیسیون خارج نشین و گروه‌قلیل سلطنت‌طلبان برای کمک خارجی منتهی شد، در واقع بخشی از سناریوی براندازی و تجزیه ایران قوی بود تا دسترسی امریکا و سگ هارش در منطقه به نفت و منابع ثروت‌های بیکران ایران فراهم شود.

حالا هم همچنان جبهه جنگ رسانه‌ای علیه کشورمان قویا در حل برنامه‌ریزی برای پیشبرد جنگ در جبهه رسانه‌ای است. بازوی

رسانه‌ای جنگ نظامی علیه کشورمان در حال تدارک و اجرای سناریوهای برنامه‌ریزی شده‌است تا ذهن مردم و مخاطبان این شبکه‌ها را با اطلاعات نادرست و فیک‌نیزها همبهاران کند. تلاش برای ایجاد هراس در دل مردم، بزرگنمایی دستاوردهای حملات نظامی – صهیونیستی و سانسور خبری دستاوردهای عملیات نظامی – کشورمان و محور مقاومت به پایگاه‌های نظامی امریکادر منطقه و همچنین سرزمین‌های اشغالی، برای القای ضعف و ناتوانی از جمله دکترین رسانه‌های معاند فارسی‌زبان و در رأس آنها رسانه صهیونیستی ایران اینترنشنال است. همچنانکه بخش

تجمعات شبانه از آغاز جنگ تحمیلی امریکایی – صهیونیستی در رسانه‌های غربی و به خصوص رسانه‌های معاند فارسی زبان کمترین بازتابی نداشت!

این در حالی است که از ابتدای این تهاجم و بیشتر از آن در ماجرای اغتشاشات ۵ ماه، شاهد پوشش کمترین حضور بخشی از ایرانیان خارج از کشور در مخالفت با جمهوری اسلامی ایران بوده و هستیم.

کافی است دو نفر روی پشت‌بام خود رفته و علیه ایران اسلامی شعاری بدهند تا آنتن شبکه‌های همچون ایران اینترنشنال به پوشش این شعاردهی اختصاص یابد!

بگذریم از اینکه اساساً شکل‌گیری اعتراضات دی ماه امسال و همچنین هدایت و نماندهی جاسوسان و مزدوران موساد در میان مردم و با خاک و خون کشیدن جمع کثیری از مردم کشورمان در این اغتشاشات، همگی باهم‌راهی و برنامه‌ریزی رسانه‌ای شبکه‌های فارسی زبان معاند شکل گرفت.

همان شبکه‌هایی که پس از تحمیل شهادت مظلومانه بیش از ۴هزار هو وطنی با فرار رو به جلو و با همان تکنیک همیشگی «کار خودشان است» تعداد کشته‌های این ماجرا را تا ۵۰ و ۶۰هزار

نفر اعلام و عامل این جنایت را نظام معرفی کردند. در صورتی که